

ترانه‌های نری فلک‌الافلاک

رمضان پرورده



ترانه‌های نری فلك الافلاك

سروده‌ی: رمضان پرورده

با

مقدمه استاد حمید ایزدپناه



خرم آباد

انتشارات شاپورخواست

۱۳۹۴

فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۶۷	تفنگ	۹	پیش‌گفتار
۶۸	پیرِ میدودار	۱۳	مقدمه
۶۹	پنج دری	۵۳	کُر لُر
۷۰	اسبی کو	۵۴	جگائی
۷۲	بازار چین	۵۵	از یاد رفته
۷۳	دالکه	۵۶	هرور
۷۴	پرستار	۵۷	عروس باغ
۷۵	طاق پیل	۵۸	زخم پلنگ
۷۶	رنج پیری	۵۹	قافله گل
۷۷	سوز سوار	۶۰	چش‌انتظار
۷۸	خرموه	۶۱	قافله دل
۸۰	که گل بوی تو داره	۶۲	برف پیری
۸۲	یافته	۶۳	قدم‌خیر
۸۳	خیال عشق	۶۴	وداع
۸۴	نوعروس	۶۵	فراق
۸۵	لیسک افتاو	۶۶	ساقی

ترانه‌های لُری فلک‌الافلاک

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
مرغ اسیر	۸۶	دل تو دل مه	۱۰۹
خواب‌دیدن فرزند شهید	۸۷	رنگ وارنگ	۱۱۰
لغوم اسب عروس	۸۸	خرموه	۱۱۱
سرو گلزار	۸۹	مرغ عشق	۱۱۳
زخم الماس	۹۰	گُلوتی	۱۱۴
دوست و دشمن	۹۱	وطن	۱۱۵
آفتاوِ نوبهار	۹۲	طاوس گلزار	۱۱۶
عَروسِ بَرو	۹۳	عشق وطن	۱۱۷
مرغ سحر	۹۵	فلک افلاک	۱۱۸
عروسی گل	۹۶	ضامن آهو	۱۲۰
وطن	۹۷	آس و پاس	۱۲۱
باغ گل	۹۸	نی	۱۲۲
خال وِ لو	۹۹	از محبت خارها گل	۱۲۳
افیون	۱۰۰	طبیعت لرسو	۱۲۴
وحدت	۱۰۱	چش روشنی	۱۲۵
در سوگ استاد سقائی	۱۰۲	دار پتیار	۱۲۶
قصر گل	۱۰۳	عبرت	۱۲۷
باغ بی باغبو	۱۰۴	خین دل	۱۲۸
شو عید	۱۰۵	پیرِ مُراد	۱۲۹
روله نازارم	۱۰۶	وا تو بی تو	۱۳۰
کوش طلا	۱۰۷	غریو	۱۳۱

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۵۴	جو باز عشق	۱۳۲	قدیم صیاد
۱۵۶	لالایی	۱۳۳	کاروان
۱۵۷	دالکه	۱۳۴	مجنون دورو
۱۵۸	جا مالگه عزیزو	۱۳۵	دس براری
۱۵۹	آسب خیال	۱۳۶	خُرموه
۱۶۰	چَش و رَه دِل و تَما	۱۳۷	سوز سیل
۱۶۱	ساقی کوثر	۱۳۸	نقاو گل
۱۶۳	یوسف دل	۱۳۹	ژنگ دیری
۱۶۴	جا مالگه غم	۱۴۰	وه کیه
۱۶۵	کَشکول پوس	۱۴۱	داوَتِ بَلْبِل
۱۶۶	نهضت بی سوادِی	۱۴۲	جهاد
۱۶۷	بهار	۱۴۳	چش و ره
۱۶۸	زلف یار	۱۴۴	گل باغی
۱۶۹	جمال دوس	۱۴۵	دل بی عشق
۱۷۰	داغ بلبل	۱۴۶	سی پریسک
۱۷۱	سانحه هوایی	۱۴۷	آه مجنون
۱۷۳	زلزله بم	۱۴۸	آنوس
۱۷۵	وصف لُرسو	۱۵۰	خیالِ دوس
۱۷۷	مفردات	۱۵۱	أحوال پُرس
۱۹۷	واژه‌نامه	۱۵۲	تک‌سوار ایل
		۱۵۳	مُلکِ دوسَه وَطَنِم

پیش‌گفتار

یا حضرت حق از تو مدد می‌جویم جز راه تو کی راه دگر می‌پویم

با سپاس فراوان از استاد ارجمند سیدیدالله ستوده مسئول محترم انتشارات شاپورخواست که قبول هزینه چاپ این اثر را عهده‌دار شده‌اند و با قدردانی از همسر عزیزم که با ایجاد فضایی مناسب و مطلوب نگارنده را در نوشتن این ترانه‌ها یاری داده و با تشکر از سرکار خانم خاتون اسدیان و نگار حافظی که با تایپ و صفحه‌آرایی این مجموعه مقدمات چاپ کتاب ترانه‌های فلک‌الافلاک را فراهم نموده‌اند به پیش‌گفتار اثر می‌پردازم.

لرستان سرزمین ترانه‌ها وادی ترنم‌ها و دیوان گل‌واژه‌های ناب لری و لکی است لرستان پایگاه عشق و حماسه، دوستی و جوانمردی و ایثار است، هنوز صدای دلنشین قوم لر در مقام‌های علی‌دوستی، عزیزبگی، شیرین خسرو و ساری‌خوانی در جای‌جای این دیار در گوش فلک طنین‌انداز است. هنوز نوای پرسوز دایه‌دایه، میری، قدم‌خیر، تفنگ، کشکله‌شیرازی و ترانه‌های عاشقانه در پیچ و خم کوچه‌باغ‌ها و کوچه پس‌کوچه‌های این دیار از گلوئی عندلیبان نغمه‌خوانی چون: علی‌رضا حسین‌خانی، پیرولی کریمی، همت‌علی سالم، غلام جمشیدی، حشمت‌الله

رشیدی و رضا سقایی به گوش می‌رسد. هنوز پژواک نوای سُرناي شامیرزا مرادی مروارید بازارش خلیج همیشه فارس در گوش آسمان ایران شنیدنی است.

شعر؛ خونی جهنده در رگ اندیشه و خرد انسانی است. شعر در تار و پود فرهنگ قوم لر ریشه دارد و تیغ تیزی است در کف شاعر در دفاع از مظلومیت مردم خود تا آنجا که شاعر می‌گوید:

انتقام خویش را با تیغ شعر خواهم گرفت
داد خود را از زمین و از سپهر خواهم گرفت

چرخ گردون گر جفاکاری کند در حق من

روشنایی از مه و گرمی ز مهر خواهم گرفت

از آنجا که شعر از زمان تولد تا مرگ با قوم لر همراه است، شعر را می‌توان شناسنامه قوم لر دانست. متأسفانه از آثار شعرای لر قبل از دوران صفویه مدارکی در دست نیست، ولی بعد از این دوره شعر در قالب امروزی حضوری ۴۰۰ ساله دارد.

سبک اشعار لری

سبک هندی: مانند تک‌بیتی‌های سوزناک میرنوروز که بیش‌تر در مقام علی‌دوستی اجرا می‌شوند، از این دسته است.

سبک عراقی: که می‌توان از اشعار مُلا پریشان از جمله ساقی‌نامه نام برد.

قالب اشعار لری

۱. مثنوی ۲. قصیده ۳. غزل ۴. قطعه ۵. ترجیع‌بند و غیره

تقسیم‌بندی موضوعی اشعار لرستان

۱. شعر حماسی: مانند دایه‌دایه، قدم‌خیر، تفتنگ و گُر لُر.
 ۲. شعر در زمینه باورهای دینی: مانند اشعار مُلا منوچهر کولیوند و مُلا حق‌علی سیاهپوش.
 ۳. شعر در زمینه عشق و اندوه: مانند تک‌بیتی‌های عاشقانه و سوزناک میرنوروز.
 ۴. شعر توصیفی (وصف طبیعت و غیره): مانند اشعار مُلا منوچهر کولیوند، مُلا حق‌علی سیاهپوش، تُرکه‌میر آزادبخت، سید یعقوب ماهیدشتی (کله‌باد، شمس زرین).
 ۵. شعر هجو، طنز و هزل
 ۶. اشعار منظره‌ای مانند اشعار نجف آزادبخت و تُرکه‌میر آزادبخت.
 ۷. مرثیه‌سرایی مانند صامت بروجردی و مُلا حق‌علی سیاهپوش.
 ۸. مویه‌سرایی و هوره‌خوانی که از زمان هخامنشیان تا کنون رواج داشته و به شکلی خاص خوانده می‌شوند.
 ۹. اشعار عارفانه.
 ۱۰. شعر ارتباطی یا پیام‌رسان: مانند شعر در زمینه کار و تلاش و شعر بدو تولد و عروسی.
 ۱۱. شعر پیش‌بینی (تفال): مانند چهل‌سرود.
- توجه: طبق قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب دی‌ماه ۱۳۴۸ هرگونه استفاده از اثر مورد حمایت این قانون بدون اجازه‌ی کتبی از صاحب اثر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.
- خرم‌آباد- رمضان پرورده

با یاد و نام او
به انگیزه گرامی‌داشت هنرمند، شاعر و ترانه‌سرای قوم لر
آقای رمضان پرورده

ترانه و ترانه‌سرایی

آن نغمه و آن شور نواگر دل ما را
زین ره به شکیبی به سوی راز بقا برد
(صفا)

از گذشته‌ها

از آنجا که چامه و شعر و شاعری بسیار تعریف شده و کار هنرمند گرامی
آقای رمضان پرورده در ترانه‌سرایی شهرت و اعتبار بیش‌تری یافته است،
به توضیحی کوتاه درباره پیشینه و اهمیت این هنر می‌پردازم.
اگرچه به ظاهر چامه یا غزل و ترانه‌سرایی یک هنر و مقوله در سرودن
به نظر می‌رسد، تفاوت‌هایی دارند و دشواری‌هایی که هر یک تعریفی جدا
دارد.

در نوشته‌ی یکی از مورخان یونان درباره‌ی ادبیات دوره‌ی ماد، به شعر و داستان، اشاره‌هایی شده است.

درباره‌ی آئنثوس (Athenaeus) نوشته‌اند: خنیاگران با اوراد خود دلاوری‌های کوروش و جنگ او را با آسیتاگ پیشگویی می‌کردند. و از قول دینون (Dinon) می‌نویسد: «هنگامی که آسیتاگاس با دوستانش به جشن و شادمانی می‌پرداخت، مردی به نام آنگارس (Angares) که مشهورترین خنیاگران بود، احضار شد و داستان‌های منظوم و معمول را با آواز خواند.»^۱

ترانه، سروده‌ای کوتاه در تکبیت، دوبیت و یا چندبیتی را می‌گفتند که کهن‌ترین آن‌ها سروده‌های گوسانی زمان اشکانیان (در محدوده لرستان یا پهل اشکانیان) دانسته‌اند، این ترانه‌ها به وسیله گوسانان ترانه و داستان‌سرا و نواگر اجرا می‌شده است.^۲

گوسانان، شاعران و موسیقی‌دانان دوره‌گردی بودند که داستان‌ها را به‌ویژه به صورت منظوم نقل می‌کردند. گوسانان این میراث ملی را به ساسانیان، منتقل کردند.^۳

میراث گوسانی، ادبیات و موسیقی نواگران پارتی، به دوره ساسانیان انتقال یافت و رونق فراوان گرفت و در قالب پهلویانه‌ها، ترانه شد.

۱. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، دکتر احمد تفضلی، به کوشش ژاله آموزگار، تهران:

انتشارات سخن، ۱۳۷۶، ص ۱۷.

۲. همان، صص ۷۵ و ۷۶.

۳. همان.

از دیگر ترانه‌های به‌جا مانده از آن زمان، سی لحن باربد که به گفته نظامی گنجه‌ای آن‌ها را از میان صد لحن برگزیده است و هر لحن و آهنگی، ترانه و کلامی داشته است.

در پی هجوم تازیان به ایران این تک‌بیتی و یا دوبیتی‌ها را "پهلویات" یا همان پهلویانه نامیده‌اند.

پس از اسلام، در نهضت یعقوب لیث، با پا گرفتن شعر پارسی، پهلویانه را سرود هم می‌گفتند. مانند:

رودکی چنگ برگرفت و نواخت باده‌انداز کاو سرود انداخت
اسدی توسی شاعر نامدار همزمان با فردوسی، در فرهنگ لغت فرس اسدی واژه ترانه را، هم به معنای آواز و آوازخوانی و هم آهنگ و آهنگ‌سازی آورده است. بعدها از ترانه با نام قول و غزل نیز اسم برده شده است.

نظامی گنجه‌ای آورده است:

نشسته شاه عالم مهترانه شکر برداشته چون مه ترانه
در دوره‌ی سلجوقی، امیرمعزی به هنگام دیدن هلال ماه رمضان، برای سلطان ملک‌شاه سلجوقی، یک چارپاره گفت و امیر دستور داد اسبی به نام صله و جایزه به او بدهند.

معزی برای سپاس چارپاره دیگری سروده و آن را "ترانه" خواند و گفت:
چون آتش خاطر مرا شاه بدید از خاک مرا بر زبر ماه کشید
چون آب یکی "ترانه" از من بشنید چون باد یکی توسن خاصم بخشید

ترانه، تصنیف، قول و نغمه

در مورد پیشینه ترانه‌سرایی در ایران، باید دانست، هر جا موسیقی و نوای موسیقایی بوده، ترانه و شعر و سرودهایی نیز وجود داشته است.

در پژوهشی که شادروان دکتر محمد محمدی ملایری از کتاب "اللهو والمناهی" داشته است، این کتاب به رساله کوچک ۲۹ صفحه‌ای درباره شعر، موسیقی و سرود ایرانی پیش از اسلام اشاره دارد. و در آن نام برخی از آلات موسیقی ایرانی و بعضی از اصطلاحات و مقام‌هایی که در آن وجود داشته آمده و همچنین یک سرود فارسی مرکب از سه مصراع شعر نقل شده است. هرچند مقداری از آن‌ها به‌طور پراکنده و با تحریف در بعضی مأخذ عربی دیده می‌شود. این رساله با همه کوچکی‌اش، پرتو بیش‌تری بر آنچه مسعودی از گفته‌های ابن خردادبه نقل کرده، می‌افکند.

یکی از نکاتی که در این رساله آمده، مطلبی است درباره شخصی به نام "پهلبد". که از مردم مرو بود و عود می‌نواخت و در این هنر ماهر و برتر از همه بود. به سخن موزون آواز می‌خواند و خود او برای آن آهنگ می‌ساخت. هرگاه حادثه‌ای روی می‌داد، که دبیران دیوان و خبررسانان از رساندن آن خبر به شاه واهمه داشتند، آن‌را به پهلبد می‌گفتند و او آن‌را در حضور شاه، با آواز و ساز و با آهنگی که خشم را فرو نماند، می‌خواند. از آوازهایی که او بدین طریق خوانده، و از آهنگ‌های معروف او در ستایش، تبریک و مانند آن، هفتاد و پنج آهنگ است که یکی این است که او در هنگامی که قیصر روم و خاقان چین از خسروپرویز دیدار

می‌کرده‌اند، سروده و خوانده است: «قیصر ماه ماند و خاقان خورشید، آن من خدای ابر ماند، کامکاران که خواهد ماه پوشد، که خواهد خورشید.»^۴
در این رساله دو حکایت دیگر هم نقل شده است که در یکی از آن‌ها از خواننده دیگری به نام "شرکاس" سخن رفته است.

ابن خردادبه، در آنچه مسعودی از او روایت کرده، موسیقی را بدین‌گونه ستوده است: موسیقی ذهن را جلا می‌دهد، طبیعت انسانی را به نرمی و ملایمت می‌کشاند، قلب را قوت می‌بخشد، بخیل را بخشنده می‌گرداند، چون با می‌همراه گردد، به کمک هم اندوه تن‌فرسا را می‌زدایند، غم را می‌کشایند، روح را به نشاط می‌آورند، موسیقی به تنهایی همه این کارها را می‌کند.

برتری موسیقی بر سخن، مانند برتری سخن است بر گنگی، و برتری تندرستی است بر بیماری.^۵

پیشینه ترانه‌سرایی در ایران

در هر شرایطی چه با بینش‌های اعتقادی و چه گاه تنهایی، موسیقی در روح و روان و جان انسان جاری بوده و هست.

۴. الهو والمناهی، ابن خردادبه، به کوشش محمد محمدی ملایری.

ترجمه تحت‌اللفظی و امروزی این سروده چنین است: قیصر پادشاه روم همچون ماه می‌ماند و خاقان چین مانند خورشید. ولی شاه من (شاه ایران) همچون ابر است و وقتی که در آسمان ظهور کند با عظمت و بزرگی که دارد هم ماه را می‌پوشاند و هم خورشید در پس او دیگر دیده نمی‌شوند و به چشم نمی‌آیند.

۵. تاریخ و فرهنگ ایران، ج ۲، ایرانشهر نوشته‌ی دکتر محمد محمدی ملایری، صص ۱۷۴-۱۷۳ و ترجمه مروج‌الذهب مسعودی، ج ۲، صص ۶۲۲-۶۱۲.

شور بختانه از کهن نشانه‌های ترانه‌سرایی، به جز سرودهای مذهبی زرتشت، مطلب چندانی به دست ما نرسیده است، زیرا در آن دوران ادبیات شفاهی بود و گوسانان که شاعران و موسیقی‌دانان دوره‌گردی بودند، ترانه و داستان‌ها را از حفظ می‌گفتند و به دیگران نیز منتقل می‌کردند.^۶ شاید گروه عاشقان آذربایجانی، نمونه‌ای از آن‌ها باشند. اما قرینه‌ها نشان می‌دهد، هر زمان ترانه و سرودهای ویژه خود را داشت.

نواهای لالایی که مادران در کنار گهواره برای کودکان خود می‌سرودند، شاید نخستین جلوه‌های ترانه‌سرایی بوده است.

نمونه دیگر از آن، ترانه‌ها و نواهایی است که زنان به هنگام دوشیدن گاو و گوسفندان و یا کوبیدن چیزهایی مانند برنج، گندم و نظایر آن سر می‌دادند و یا مردان که به هنگام کارهای سختی چون، درو کردن و خرمن‌کوبی می‌خوانده‌اند، تا سختی کار را بر خود آسان کنند. چنان‌که هنوز هم این شیوه ترانه‌سرایی و ترانه‌خوانی پایاست و به کار می‌رود. و امروز "موسیقی کار"، نامیده می‌شود.

شکل دیگر از این ترانه‌سرایی‌ها، تک‌بیتی یا دوبیتی‌هایی بوده که در قالب ملودی‌های کوتاه ساخته می‌شد و با ساز و یا بی‌همراهی ساز اجرا می‌گردید.

پیشینه این ترانه‌های دوبیتی یا تک‌بیتی را همان‌طور که در بالا آوردم، به نام "پهلویانه" از زمان اشکانیان می‌دانند. و چون شیوه نگارش خاصی

۶ تاریخ ادبیات پیش از اسلام، دکتر احمد تفضیلی، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۶، ص ۷۶.

برای مکتوب کردن این ملودی‌ها نداشته‌اند، اغلب به روش شفاهی حفظ و یا نقل می‌شد، از این روی، سندی نوشتاری در این باره در دست نیست. ادبیات در دوران پارت‌ها همانند ادوار دیگر پیش از اسلام بیشتر به صورت شفاهی حفظ و یا همان‌طور که اشاره شد، به وسیله همان گروه‌ها به نام گوسانان سینه به سینه حفظ می‌شد.

گوسانان، شاعران و موسیقی‌دانان دوره‌گردی بودند که داستان‌ها را به‌ویژه با شعر نقل می‌کردند. گوسانان این میراث ملی را به ساسانیان، منتقل کردند.^۷

پهلویانه‌ها در موسیقی دوره ساسانیان نیز ادامه یافتند. از جمله ترانه‌هایی دیگر که نامی از آن‌ها به جای مانده است، سی لحن باربد است که به قول نظامی گنجه‌ای، آن‌ها را از میان صد لحن برگزیده و هر لحن و آهنگی، ترانه و کلامی داشته است. این ترانه‌ها را گاه با عود یا بریط و چنگ می‌خواندند و می‌نواختند. از آن جمله سرود گفتن باربد از زبان خسرو و پاسخ‌دادن نکبسا از زبان شیرین است، که نظامی در داستان خسروشیرین به شیوایی و روانی آورده است:

نکبسا چون زد این افسانه برچنگ	سه تای باربد برداشت آهنگ
عراقی وار بانگ از چرخ بگذاشت	به آهنگ عراق، این بانگ برداشت
مگر وقت شدن طاووس خورشید	پر افشان کرد بر گلزار جمشید
مگر شیرین ز لب افشاند نوشی	که از هر گوشه‌ای خیزد خروشی

و نیز پاسخ باربد از زبان شیرین به خسرو:

چو بر زد باربد زین‌سان نوایی نکिसا کرد از آن خوش‌تر ادایی
چو رود باربد این پرده پرداخت نکيسا زود چنگ خویش بنواخت
گاه در بیان این ترانه‌ها، پیامی و یا خبری گنجانیده می‌شد. از جمله داستان مُردن شب‌دیز - اسب خسرو پرویز - است که ثعالبی آن را چنین نقل کرده است: «خسرو پرویز چنان یاد کرده بود که هر کس خبر مُردن شب‌دیز را به او بدهد، او را خواهد کشت. روزی که شب‌دیز مُرد، میرآخور، هراسان به باربد پناه برد. باربد در ضمن آوازی واقعه مُردن شب‌دیز را با اشاره و ایهام گوشزد خسرو کرد. شاه فریاد زد: ای بدبخت مگر شب‌دیز مُرده است؟ باربد در پاسخ گفت: شاه خود چنین فرماید.»

نام چند لحن از آن میراث کهن بر جای مانده، که اکنون بخشی و یا گوشه‌ای از موسیقی ملی کنونی ما به شمار می‌روند. و بخش‌هایی در موسیقی عربی وجود دارد. این پهلویانه‌ها (فهلویات) که وزن هجایی دارند، در آثار دست‌نویس تا سده هشتم هجری قمری دیده می‌شوند. اگرچه امروز و هنوز در لرستان، با همان وزن و شکل سروده‌های عاشقانه و حماسی و یا سروده‌های مذهبی یارسان یا اهل حق، رواج دارد و اجرا می‌گردند.

دوبیتی‌های کهن یا پهلویانه‌ها، ترانه‌های شورانگیز عاشقانه و یا غم‌بار سوگ و شادیانه‌های سور، در زیر و بم مقام‌های موسیقایی هر یک حال و هوای زمان و مکان ایل و اقوام ایران زمین را بیان می‌کنند. به واقع، نوازندگان و ترانه‌سرایان، در هر زمان، رکنی اساسی در ساخت، پرداخت، میراث‌داری و پاسداری فرهنگ موسیقایی بومی و سرزمین و کشور خود بودند و اینک هم هستند.